

## پیش‌خوان

در حاشیه انتشار مقالات کنگره آیت الله حاج شیخ محمد تقی رازی اصفهانی **یادمانی برای «پرچمدار زعامت و مرجعیت»**

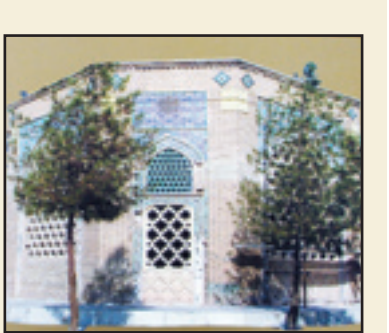
■ نیما احمدپور



حوزه‌های مختلف باشد، بلکه حلقهٔ ارتباطی بین نسل‌ها از حیث الگوپذیری برقرار کند. امروزه شخصیت‌های برجسته تاریخی – که همواره با پاسدار حریم ارزش‌های والا و مانع نفوذ اجانب بوده‌اند –برای هویت‌بخشی به یک جامعه در مقام یک نیاز لازم شناخته می‌شوند.

از میان حیات سراسر افتخار عالم ربانی، ابوالاعظام و المراجع، آیت‌الله‌العظمی شیخ محمد تقی ایوان کی، لقب به رازی نجفی اصفهانی صاحب اثر ارزشمند و جاودانه هدایه المسترشدين در علم اصول و تفسره الفقها در فقه استدلالی ما را بر آن داشت بر حسب وظیفه شرعی و عرفی گام کوچکی در جهت شناخت و شناساندن ایشان برداریم. از این رو با همت جمعی پس از طی مسیری دو ساله همایشی طراحی و در روز پنج‌شنبه بیست و چهارم آذرماه ۱۳۹۰ برابر با ۱۹ محرم الحرام ۱۴۳۳ در زادگاه آن مرحوم برگزار شد. در این مراسم باشکوه که جمع کثیری از علماء، پژوهشگران، روحانیون، مسئولان، افشار مختلف مردم در مهمانی از هفت کشور جهان شرکت کردند.در دو بخش صبح و عصر به زندگی این عالم فقیه و اصولی گرانقدر پرداخته شد.

از نکات جالب این همایش قرائت پیام مراجع معظم تقلید آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ حسین مظاهری، آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ بشیر حسین نجفی، دکتر محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور وقت، دکتر سید محمد حسینی وزیر ارشادوقت و نیز سخنرانی حضرات آیت حاج شیخ رضا اسنادی، سید محمد رضا جلالی، شیخ علی اکبر مهدی پور، سید مهدی خاوری قزوینی، شیخ رضا مختاری، حاج شیخ هادی نجفی دامت برکاتهم و تنی



■مرقد مطهر آیت‌الله شیخ محمد تقی نجفی در تخت‌فولاد اصفهان

چند از شخصیت‌های کشوری و استانی بود. همچنین در پایان این مراسم، از میان بیش از ۲۵ مقاله ارسال شده از ایران و عراق پنج اثر توفقم و جوان به تشخیص هیئت محترم داوران انتخاب و هدایایی به رسم یادبود به این عزیزان تقدیم شد. در برنامه‌های جنبی همایش علاوه بر نمایشگاه کتاب و عکس و مجموعه تالیفات و زندگی خاندان بزرگ نجفی اصفهانی از کتاب شیخ محمد تقی رازی نجفی اصفهانی و خاندانش رونمای شد.

آنچه در این ویژه‌آران سخن می‌رود مجموعه‌منتشر شده است که امید است مورد استفاده و بهره‌برداری قرار بگیرد. در پایان مرور بخشی از پیام مرجع والایام حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی به این کنگره راه‌خاتم‌مسک این نوشتار قرار می‌دهیم: «ابوالاعظام والاکابر والمراجع، شیخ محمد تقی نجفی در شهر ایوان کی متولد شد و در جوانی روشه مقدسه علویه تحت عنایات حضرت مولاج) به مقامات بلند علم و تحقیق نائل آمد و سپس در خطه اصفهان و کشور ایران مسکن گزید و در مدرسه خود علمای بزرگ که از شمار مفاخر بودند تربیت کرد و بیست هفت، فقهات، جهاد و هدایتی را افتتاح کرد که در آن فرزندان او خلقا عن سلف، پرچمدار زعامت و مرجعیت و دفاع از دین بودند. اعظام، اجلا و نامدارانی که همه در عصر خود پرچم اعلا تشیع را به دوش گرفتند و منشاء خدمات بزرگ، آثار علمی، خیرات و صدقات شدند. آیت‌الله‌العظام آقای شیخ محمدباقر نجفی فرزندی بلاواسطه و آقای شیخ محمدحسین و آقای شیخ محمد تقی آقاجنقی و آقای شیخ محمدعلی ثغفالاسلام و آقای حاج آقا نورالله و حاج آقا جمال و آقا شیخ محمدرضا صاحب وقایه و حاج‌شیخ مهدی همگان خلقا عن سلف از مشاهیر طایفه حقه و زعمای ملت بودند. برادر بزرگوار او آیت‌الله آقای حاج شیخ محمدحسین نیز در علم و مقام با او هم‌تراز بودند و کتاب فصول او نیز در ردیف هدایت المسترشدين است؛ اعلی‌الله مقامهم و رفع درجاتهم. بزرگداشت چنین شخصیت و بیت بزرگی، بزرگداشت فضیلت، جهاد، علم و فقهات است. اینجانب از همه عزیزانی که افتخار برگزاری این همایش باعظمت را دارند تشکر و تقدیر می‌کنم و امیدوارم جامعه اسلامی ما و مردم متدین ایوان کی و نواحی آن با الگو گرفتن از زندگی سراسر افتخار این بزرگان دین، راه و اندیشه آنان را ادامه دهند و میراث بزرگ دانشمندان را نگهداری و به آیندگان ابلاغ کنند.»

# عاریخ

نقد و گویا ۸۸۴۹۸۴۳۸



■ حسین علا در کنار محمد رضا پهلوی در یکی از مراسم اهداء اسناد ملکی به کشاورزان

**گذری بر کارنامه نخست‌وزیری کوتاه «حسین علا» در دوران اوجگیری نهضت ملی**

# دولت محلل

### ■ شاهد توحیدی

در آن زمان دکتر مصدق از محبوبیت و نفوذ در میان مردم برخوردار بود، اما او نیز همسو با محافل فراماسونری در برابر مسئله نخست‌وزیری علا را خود بر خورد قاطعی نشان نداد: «فرادی مرگ رزم را شاه یک امتیاز به اقلیت داد، حسین علا را پیش دکتر مصدق فرستاد تا نظر او را درباره نخست‌وزیر آینده بگیرسد. دکتر مصدق با لیخند به وزیر دربار گفت چرا شما نه؟ و ساستی بعد سردار فاخر حکمت مأمور شد تا نظر اعلیحضرت را به اکثریت مجلس ابلاغ کند، اما روز پس از آن اختلاف آشکار شد. نواب صفوی اعلامیه‌ای به حسین علا نوشت که همه روزنامه‌ها آن را چاپ کردند: هو العزیز؛ زمامداری ملت مسلمان در خور صلاحیت تو امثال تو نیست، فرورآور کناری خود را اعلام کن. پشت علا لرزید… در حالی که مصدق معتقد به این دولت بود و از تأیید آن خودداری نمی‌کرد، آیت‌الله کاشانی با توجه به قدرت فدائیان اسلام گفت: الان بهترین زمان برای به دست گرفتن قدرت و راندن عوامل و قدرت‌های بیگانه از صحنه است. چند روز بعد روند حوادث نظر آیت‌الله کاشانی را به کرسی نشاند.»<sup>(۹)</sup>

**توهم بر خور داری از حمایت مجلس و مطبوعات**

روز ۱۳۲۹/۱۲/۱۸ فرمان نخست‌وزیری حسین علا از طرف شاه صادر شد. نخست‌وزیری علا مصادف شد با تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت. مجلس شورای ملی این قانون را با شفع، شادی و احساسات شدید تصویب و تأیید کرد و مجلس سنا هم در روز ۱۳۲۹/۱۲/۲۹ اصل ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرد. در چنین جوی که ملت ایران غرق در شادی، خوشحالی و موفقیت بود، حسین علا بر سر کار آمد و تصور می‌کرد از حمایت مجلس و مطبوعات برخوردار است، اما قیل از آن که وی وزیران کابینه‌اش را به مجلس معرفی و برنامه کارش را اعلام کند، در مجلس شورای ملی با مخالفت عده‌ای از نمایندگان مواجه شد. محمود نریمان یکی از مخالفان حسین علا بود. او طی نطقی اعلام کرد: «نخست‌وزیری حسین علا بر خلاف رویه معمول در کشور بوده و شاه درباره انتصاب وی به نخست‌وزیری از مجلس رأی تمایل نخواست» است. بنابراین او نخست‌وزیر منبعت از طرف مردم نیست و نمی‌تواند در مقام ریاست دولت باقی بماند.»<sup>(۱۰)</sup>

**■ وقتی نقاب لیخند برداشته شد**
علا که به نرم‌خویی شهرت یافته بود، پیش از آنکه اصولاً مسئله نخست‌وزیری‌اش به صورت قانونی مسجل شود، با اعلام حکومت نظامی در تهران و خوزستان چهره بی‌نقابش را آشکار ساخت.

**■ حسین علا در همان روزهای سر کار**



■ حسین علا در صیافت شام دکتر مصدق برای هرمن وزیر خارجه امریکا و همسرش

آمدنش و حتی پیش از آنکه از مجلسین رأی اعتماد بگیرد و رسمیت یابد یا سوءاستفاده از تعطیلات عید مجلسین دست به اختناق زد و از روز ۲۹/۱۲/۲۹ در تهران و حومه و از تاریخ ۱۳۳۰/۱/۱۴ در خوزستان حکومت نظامی برقرار کرد.»<sup>(۱۱)</sup>

علا حتی پیش از معرفی اعضای کابینه‌اش و گرفتن رأی اعتماد از مجلس اعلام حکومت نظامی کرد: «قبیل از معرفی دولت در مناطق نفتی خوزستان و در تهران مقررات حکومت نظامی برقرار ساخت، در حالی که شرایط و مقتضیات خاصی در تهران نبود که برقراری حکومت نظامی را ایجاب کند. در خوزستان هم کارگران شرکت نفت به واسطه گستر ۳۰ درصد از دستمزدهشان اعتصاب کردند.علا با برقراری حکومت نظامی در خوزستان اعتصاب کارگران را با خشونت در هم شکست و جالب اینجاست که در مجلس گفت: حکومت نظامی را به توصیه تقی‌زاده برقرار کرده است.»<sup>(۱۲)</sup>

**■ دولت حسین علا و اعتصاب گسترده**

دولت حسین علا مجلس و مطبوعات در همان نخستین روزهای نخست‌وزیری‌اش با مسئله بفرنج اعتصاب گسترده کارگران جنوب روبرو شه، اما هنگامی که دولت از شیوه خشن خود طرفی نیست، وادار به عقب‌نشینی شد: «شرکت نفت این اعتصاب را غیرقانونی اعلام کرد و به این جهت و به عنوان همدردی با اعتصابیون، کارگران مسجد سلیمان و هفتگل کرد دست از کار کشیدند. هیئت اعزامی دولت تأیید کرد حق با کارگران است و شرکت ناچار اعتصاب را قانونی شناخت و قرار شد حقوق کارگران به همان ترتیب سابق پرداخت شود.»<sup>(۱۳)</sup>

این در حالی بود که دولت نوپای علا در آغاز سیاست مشست آهنگین را در پیشش گرفته بود: «این اعتصاب تمام کارگران کارمندان و کارآموزان شرکت نفت را در بر گرفت و از همدردی و پشتیبانی مردم خوزستان نیز بهره‌مند شد، اما با وجود اینکه اعتصاب تمام از مخالفان حسین علا بود. او طی نطقی اعلام کرد: «نخست‌وزیری حسین علا بر خلاف رویه معمول در کشور بوده و شاه درباره انتصاب وی به نخست‌وزیری از مجلس رأی تمایل نخواست» است. بنابراین او نخست‌وزیر منبعت از طرف مردم نیست و نمی‌تواند در مقام ریاست دولت باقی بماند.»<sup>(۱۴)</sup>

**■ وقتی نقاب لیخند برداشته شد**
علا که به نرم‌خویی شهرت یافته بود، پیش از آنکه اصولاً مسئله نخست‌وزیری‌اش به صورت قانونی مسجل شود، با اعلام حکومت نظامی در تهران و خوزستان چهره بی‌نقابش را آشکار ساخت.

# عاریخ

**در پی اعدام انقلابی سبهبید حاجیعلی رزم آرا، در ۲۱ اسفند ۱۳۲۹ حسین علا مأمور تشکیل کابینه شد. این در حالی بود که مبارزات منتهی به نهضت ملی ایران، در سراسر کشور اوج گرفته بود و ملت ایران به چیزی کمتر از تحقق آرمان‌های استقلال‌طلبانه خویش رضایت نمی‌داد و هر گونه رفرمی را در راستای خواسته‌های استعمار انگلستان قلمداد می‌کرد**

بهانه حفظ جان و مال اتباع انگلیسی کشور ما را تهدید به مداخله نظامی کرد»<sup>(۱۵)</sup>

**■ افراطی‌گری در مواجهه با اعتصاب کارگران جنوب**

دولت علا در راه مقابله با اعتصاب کار گران جنوب چنان راه افراط را پیمود که یکی از نمایندگان مجلس در مقام اعتراض برآمد: «من شنیده‌ام وحشت دارند مبادا قشون انگلستان وارد مملکت شود. این اشخاص نمی‌بینند که وقتی دولت سرنیزه به ضرر مردم به کار می‌برد انگلستان چه لزومی دارد که نیرو پیاده کند؟ آیا دولت انگلیس با اعزام نیروی نظامی ا غیر از این می‌کرد که امروز دولت آقای علا می‌کند؟ شرکت نفت ۳۰ درصد از حقوق کارگران را کسر کرد و دولت به‌جای اینکه به کمپانی فشار می‌آورد و خونی‌ریزی به پا می‌کند و خون آنها هم پامال شده است…»<sup>(۱۶)</sup>

**■ یاد نیک مصدق از علا**

جبهه ملی نیز در برابر دولت علا برخورد قاطعی نشان نداد. حتی دکتر محمد مصدق در مجلس از علا به نیکی یاد کرد و گفت: «قبلاً لازم است از جناب آقای علا نخست‌وزیر، دوست ۳۰ ساله خود برای اینکه بعد از الغای حکومت نظامی به مجلس آمده است تشکر کنم، چون با سوابقی که درباره اخلاق ایشان دارم، راضی نمی‌شدم به مجلس بیایند و در همان وهله اول مورد اعتراض نمایندگان جبهه ملی واقع نشوند… امیدوارم دولت با شیوه مرصیه‌ای که در پیش گرفته است بتواند آمال آزادی‌خواهان و وطن‌پرستان را عملی کند…»<sup>(۱۷)</sup>

**■ اعضای کابینه علا**

نخستین دوره نخست‌وزیری حسین علا در روز ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۲۹ آغاز شد و در اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۰ خاتمه یافت. وزیر نخستین کابینه او عبارت بودند: <sup>(۱۸)</sup>

وزیر دادگستری: شمس‌الدین امیرعلایی

# عاریخ

**نخست‌وزیری علا مصادف شد با تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت، مجلس شورای ملی این قانون را با شفع، شادی و احساسات شدید تصویب و تأیید کرد و مجلس سنا هم در روز ۲۹/۱۲/۲۹ اصل ملی شدن صنعت نفت را تصویب کرد. در**

**خوشحالی و موفقیت بود، حسین علا بر سرر کار آمد و تصور می‌کرد از حمایت مجلس و مطبوعات بر خور دار است**



■ حسین علا در لباس «سلام»قبل از دیدار باشاه

وزیر خارجه: عبدالله انظام
وزیر کشور: سرلشکر فضل‌الله زاهدی
وزیر دارایی: محمدعلی وارسته
وزیر جنگ: سبهبید علی اصغر نقدی
وزیر فرهنگ: حبیب‌الله آموزگار
وزیر راه: سرلشکر حسن ارفع
وزیر کشاورزی: حسنعلی فرمند
وزیر پست و تلگراف: احمد زنگنه
وزیر بهداری: دکتر عباس نفیسی
وزیر کابری: انشارات جاویدان، ص ۳۲۵
وزیر اقتصاد ملی: جمشید مخفم (کفیل)
وزیر مشاور: علی دشتی

«علا آن‌ه چون فرزندان مشیرالدوله ناپثینی وجیه‌المله و ملی‌گرا بود، نه چون فرزندان معتمدالسلطنه (وتوق الدوله و قوام) اهل عمل تندسی، نه چون فرزند میرزا هدایت وزیر دفتر مصدق مردم‌گرا، انتقادگو و نه چون فرزند میرزا یوسف‌خان (مستوفی‌الممالک) اهل جنت‌مکانی و معتقد به بی‌طرفی و خط سوم، از همه این عده کوچک‌تر و بی‌سر و صدا تر و وزارت خارجه دوره استبداد صغیر (صدارت علاءالسلطنه پدش) با همان پشتکار کار می‌کرد که در کابینه مستوفی‌الممالک. کابینه محلل او ترکیبی از تمام جناح‌ها بود. ارفع، حبیب آموزگار و دشتی برای جلب نظر انگلیسی‌ها وامیرعلایی و سرلشکر زاهدی برای قبول جبهه ملی و بنقیه اعضای کابینه‌اش از درباریان بودند.» (۱۲)

**■ کلیات برنامه دولت علا روی میز مجلس**

کلیات برنامه دولت حسین علا در قالب شش محور بود که تقدیم مجلس شد:

۱- از بین بردن روح تمرد و عصیان نسبت به اجرای قوانین

۲- توجه به نهاد قضائی به منظور استقلال قضاوت و استقرار امنیت

روزنمه جوان | شماره ۷-۴۲

# عاریخ

۳- توازن و تعادل حقیقی بودجه

۴- به کار انداختن و تقویت قوه تولید

۵- اصلاح و توسعه تعلیمات عمومی

۶- در سیاست خارجی نیز رویه مسالمت و دوستی با تمام همسایگان و سایر دول بر اساس احترام متقابل با ارائه چنین برنامه‌ای بود که مجلس سنا به اتفاق آرا و مجلس شورای ملی با اکثریت ۷۷ رای به کابینه وی رای اعتماد داد.

**■ نخست‌وزیر یا «محلل سیاسی»؟**

در عموم کتاب‌هایی که پیرامون تاریخ معاصر انتشار یافته است، از حسین علا به عنوان یک «محلل سیاسی» یا «جوگر» یاد شده است: «حسین علا به نوبه خود از نظر دربار یک بر گ به اصطلاح جوگر یا دولتمرد علی‌البدل محسوب می‌شده، همچون حکیم‌الملک و ساعد مرغله‌ای همان مهره‌های همیشه در گردش که وقتی نخست‌وزیران افزون‌خواه و فضولی از نظر دربار کنار گذاشته می‌شدند. شاه آن مردان را به عنوان محلل در آستین به عنوان ذخیره نگه می‌داشت که سر فرصت به میدان گسیل کند.»<sup>(۱۹)</sup>

در اینجا توضیح این نکته ضروری است که پس از ترور حاجی‌علی رزم‌آرا شایعه به نخست‌وزیری رسیدن سید ضیاءالدین طباطبایی و احمد قوام بسیار بر سر زبان‌ها افتاده بود. در این اوضاع و احوال انگلیسی‌ها نیز از علا متوقع بودند در راه متوقف کردن طرح ملی شدن صنعت نفت ایران قدمی بردار. علا نیز همصدا با شاه به شدت با مسئله ملی شدن صنعت نفت ایران مخالف بود:

«شاه و نخست‌وزیر جدیدش حسین علا هر دو با ملی شدن نفت مخالفند و دوره دو ماهه مطالعه ممکن است شناسی به آنها بدهد تا احساسات ضد خارجی را سرد کنند…»<sup>(۲۰)</sup>

اما چرخ روزگار به مراد علا و اربابان داخلی و خارجی‌اش نگشت و برخلاف انتظار آنها کمیسیون نفت در تاریخ پنجم اردیبهشت ماه طرح نه ماده‌ای اجرای قانون ملی شدن صنعت نفت و خلع ید اجاتب را تصویب کرد.

**■ سرانجام دولت مستعجل**

به دنبال تصویب طرح ملی شدن صنعت نفت، شیرد، سفیر کبیر انگلستان در ایران به ملاقات حسین علا رفت و او که در این میانه نمی‌توانست کار مثبتی در راه تحقق مقاصد اربابان خارجی‌اش انجام دهد، ابتدا دست به دامان دکتر مصدق شد و هنگامی که وی حاضر به عدول از آن نشد، با شتاب به دیدار شاه رفت، اما از آنجا که شاه هم در برابر افکار عمومی به وحشت افتاده بود، علا به نتیجه مطلوب نرسید و هنگامی که اجانب در این مقطع تاریخ مصرش را تمام شده احساس کردند، دست از حمایت وی برداشتند و به این ترتیب دولت مستعجل علا در ششم اردیبهشت ۱۳۳۰ سقوط کرد، اما شاه با استعفا ی مخالفت کرد، (۱۶) اگرچه علا اصرا به استعفا داشت. «شاه اصرا داشت علا را استعفا منصرف شود (بنا به اظهارات صریح فاخر حکمت رئیس مجلس و جمال امامی نماینده مجلس) [روزنامه اطلاعات شماره ۷۵۰-۲/۲۷/۱۳۳۰] اما علا به بهانه اینکه کمیسیون نفت بدون مشورت با دولت تصمیم به خلع ید گرفته است و در حقیقت به علت شکست در انجام خدمت به ولی نعمت خود در واگذاری مجدد منابع نفتی کشور انگلستان استعفا خود را پس نگرفت.»<sup>(۱۷)</sup>

**■ علت واقعی سقوط دولت محلل**

به این ترتیب دولت کوتاه‌مدت علا بر اثر ناتوانی در راه اجرای خواسته‌های انگلیسی‌ها به ایستگاه آخر رسید: «روی کار آمدن حسین علا به سمت نخست‌وزیری که بعد از ترور رزم‌آرا صورت گرفت، تأثیر چندانی بر افکار عمومی نداشت. در فاصله ۱۶ تا ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ که مرگ رزم‌آرا و تشکیل دولت علا بود، کار نفت به پایان رسید و حسین علا تا ۱۸ فروردین سال ۱۳۳۰ که مجلس در تعطیلات نوروزی بود، بدون معرفی کابینه به مجلس و اخذ رأی اعتماد زمامدار بود. کابینه علا در این زمان در حقیقت یک کابینه محلل بود…اما همین کابینه پیش از آن که به مجلس معرفی شود، در آستانه نوروز سال ۱۳۳۰، یعنی روز ۲۹/۱۲/۱۳۳۰ در تهران و روز ۱۴/۱/۱۳۳۰ در خوزستان حکومت نظامی برقرار کرد…»<sup>(۱۸)</sup>

**■ پی‌نوشت:**

- (۱) جامی، گذشته چراغ راه آینده است، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، پاییز ۱۳۶۲، ص ۵۷۶
- (۲) برای اطلاع بیشتر به صورت جلسه مورخ ۱۳۳۰/۱/۲۳ مجلس شورای ملی سابق مراجعه فرمایید.
- (۳) بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از سید ضیا تا پختیار، انتشارات جاویدان، ص ۳۲۵
- (۴) همان، ص ۳۲۶
- (۵) عاقلی، باقر، نخست‌وزیران ایران، صص ۷۰۶-۷۰۵
- (۶) نجمی، ناصر، بازیگران سیاسی عصر رضاشاهی و محمد رضاشاهی، انتشارات اینشتین، ۱۳۷۲، ص ۲۶۷
- (۷) صورت جلسه مورخ ۱۳۳۰/۱/۲۷، مجلس شورا، به نقل از کتاب نخست‌وزیران ایران، جلد اول
- (۸) روزنامه اطلاعات، شماره ۷۴۹۸، مورخ ۱۳۳۰/۱/۳۱
- (۹) جامی، گذشته چراغ راه آینده است، انتشارات ققنوس، پاییز ۶۲، ص ۵۷۷
- (۱۰) نشریه پرچم صلح، شماره ۲۴۹، مورخ ۱۳۳۰/۱/۲۶
- (۱۱) روزنامه اطلاعات، شماره ۷۴۸۷، مورخ ۱۳۳۰/۱/۱۸
- (۱۲) بهنود، مسعود، دولت‌های ایران از سید ضیا تا پختیار، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۳۲۳
- (۱۳) همان، صص ۳۲۵-۳۲۶
- (۱۴) نجمی، ناصر، پیشین، ص ۲۶۶
- (۱۵) مجله نوید آینده، شماره ۲۳۱، مورخ ۱۳۳۰/۱/۷
- (۱۶) جامی، گذشته چراغ راه آینده است، انتشارات ققنوس، چاپ دوم، پاییز ۱۳۶۲
- (۱۷) همان ص ۵۸۰
- (۱۸) سفری، محمدعلی، قلم و سیاست، نشر نامک، بهار ۱۳۷۱، ص ۴۲۶